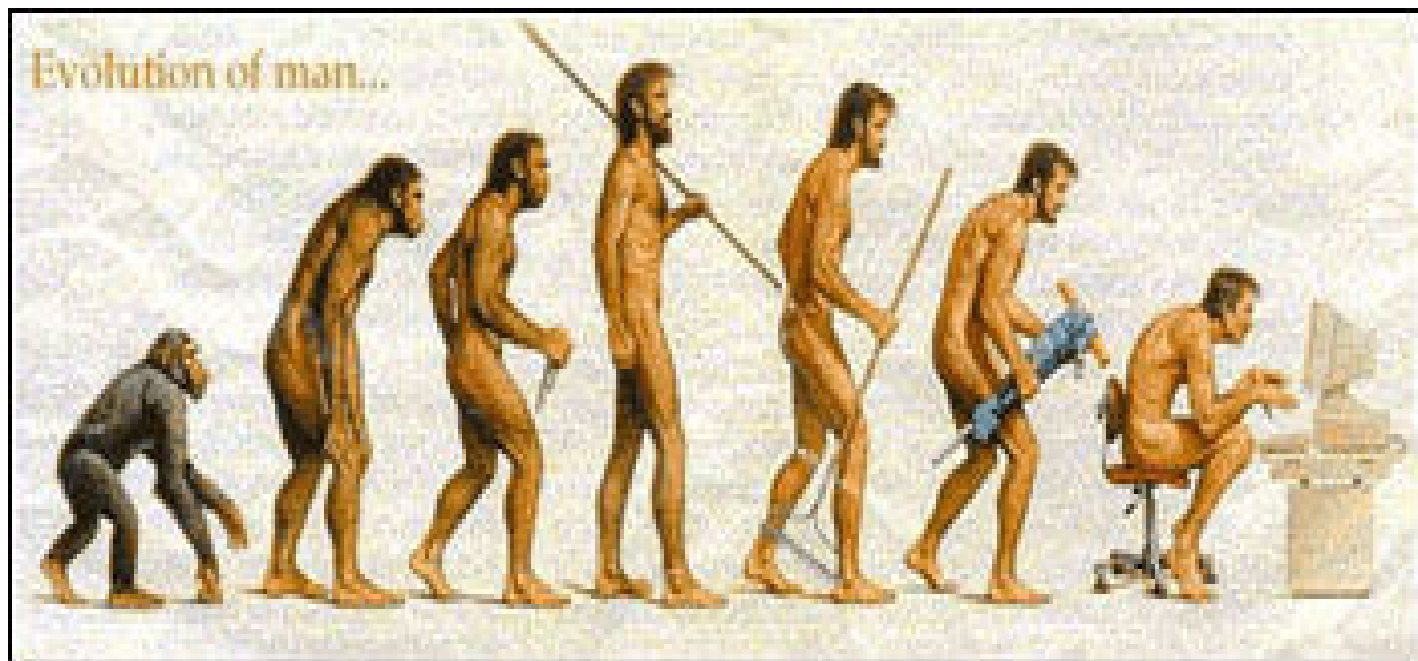


## تاریخ تحولات جوامع بشری در ۱۰ ماده، به روایت «نصرت کریمی»



«نصرت کریمی» را کمتر کسی است که شناسد. بازیگر قدیمی و توانای تئاتر، سینماگر و کارگردان، استاد فن بیان، صورتگر و

مجسمه‌ساز، نویسنده، مترجم و صاحب بسیاری کمالات دیگر.

چندی پیش در فصلنامه «بخارا»، چاپ ایران، مطلبی به قلم او منتشر شده بود که بنا به نوشته خودشان: از سر تفنن، و بعد از مطالعه

کتاب «مغز، آخرین مرز» نوشته دکتر «ریچارد رستاک»، به ترجمه «هوشنگ گودرزی»، قلمی شده.

ایشان با توجه به این نکته که مغز انسان ثمرهٔ میلیون‌ها سال تکامل بیولوژیک بوده، و با نظر به تقسیم‌بندی مغز آدمی به دو نیم‌کره:

یکی مربوط به امور عاطفی، احساسی، اشراقی و الهامی، و دیگری مرتبط با امور عقلانی، منطقی و علمی است، تاریخ تحولات جوامع

بشری را در ده ماده به این شرح خلاصه کرده‌اند.

**تاریخ تحولات جوامع بشری در ده ماده:**

**اول:** من، باید بخورم. [تسلط مغز خزندگی]

**دوم:** فقط خانواده‌ام حق دارد بخورد. [تسلط مغز پستانداری]

**سوم:** زنده باشد ایل و تبار من، تا سیر بخورد. [تسلط مغز انسانی ماقبل تاریخ]

**چهارم:** جاوید همشهریان اصیل من، صاحبان بردگان، که در رفاه کامل بخورند. [عصر بردگی]

**پنجم:** زارعین من اندکی بخورند، تا در زمین‌های من کار کنند، که من و مالکین دیگر هرچه بیشتر بخوریم. [فتودالیسم]

**ششم:** پاینده باد افراد ملت من، تا بیش از ملل دیگر بخورند. [ملی‌گرایی عصر صنعتی]

**هفتم:** نژادهای زرد و سرخ و سیاه، برای نژاد سفید بیگاری کنند، تا نژاد برتر من، تا خرخره بخورد. [امپریالیسم و فاشیسم]

**هشتم:** پیروز هم طبقه من، که آنچه تا دیروز نخورده است، به اندازه شایستگی بخورد. [سوسیالیسم]

**نهم:** من، تو، او، همه یک‌تن. «ما»، و نه من، نوع بشر، گرد سفره ارض، به نسبت احتیاج، حیوانات و نباتات را بخورند. [کمونیسم]

**دهم:** بشریت، خانواده من. کره زمین، خانه من. منظومه شمسی، وطن من. و میلیون‌ها کهکشان، جهان هستی من. هیچ‌کس بیشتر

نخورد، و احدی کمتر نه. [عصر آرزومندی؟!]